

متن پرسش

بسمه تعالی بازخوانی هویت دینی و ملی سلام علیکم: جناب استاد رنه گنون بر چه مبناهایی می گوید تمدن شرق اشراق مطلق و تمدن غرب حسی مطلق است و این تنها خاورمیانه است که ظرفیت جمع اشراق و حس با هم را دارد؟ بنده نمی توانم بی دلیل و برهان این کلام رنه گنون را بپذیرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید بعضی از معارف در آینه‌ی تاریخ و در آینه‌ی طبیعت در مقابل ما قرار می‌گیرد. مثل آن که قرآن در آیه ی ۴۶ سوره ی حج می فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا» آیا منکران حقیقت نبوی در زمین سیر نکرده اند و سرنوشت منکران نبوت را ملاحظه نکرده اند تا در اثر آن سیر، قلبهایی پیدا کنند که به کمک آن قلب، تعقل کنند و گوشهایی به دست آورند که به کمک آنها حق را بشنوند؟ همه جانبه بودن یک فکر به این معنا است که آن فکر با خود حقیقت مرتبط است و نه با مفهوم آن. گاهی با رفیق خود در مورد موضوعی بحث می کنید، از یک طرف قبول دارید مطلبی که او می گوید درست است ولی از طرف دیگر احساس می کنید نمی توانید به طور کامل آن مطلب را قبول کنید. اگر موضوع را درست تحلیل کنید متوجه می شوید رفیق شما مطلب را از یک زاویه می نگرد و مطرح می کند و شما نیاز دارید مطلب را به صورت جامع و از جنبه ی وجودی و اشراقی اش بنگرید و لذا با همه ی ابعادتان جواب خود را در رابطه با آن موضوع نمی گیرید. شما وقتی با سخنان اهل البیت (علیهم السلام) روبه رو می شوید ملاحظه می کنید مطلب به شکل جامع بروز می کند. اهل البیت (علیهم السلام) در عین آنکه عقل ریاضی و عقل فلسفی دارند ولی با ما از طریق عقل ریاضی و یا عقل فلسفی سخن نمی گویند تا با موضوع مطرح شده از یک زاویه و یا دو زاویه آشنا شویم، عقل اشراقی آنها ما را با حقیقت مطلب آشنا می کند. عقل اشراقی عقلی است که از قلب جدا نیست، قرآن در توصیف چنین عقلی پای قلب را به میان می کشد و می فرماید: انسان می تواند به جایی برسد که قلب او تعقل کند و تعقل او از نور قلبی او جدا نباشد. موفق باشید